

انصاف و جایگاه آن در نظام پاسخ‌گویی مالی

دکتر شکراله خواجهوی

دانشیار حسابداری دانشگاه شیراز

شعله منصوری

کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شیراز

چکیده

انصاف به عنوان یکی از عوامل موثر در ایجاد عدالت سازمانی، در نظام حسابداری و نظام پاسخ‌گویی مالی نقش مهمی را ایفا می‌کند. در اصول اخلاقی حرفه‌ای حسابداری بر انصاف به عنوان یکی از معیارهای مهم قضاوتی در گزارشگری تاکید می‌گردد. زیرا این پدیده تضمینی است مبنی بر صحت و رعایت دقت در تهیه و تایید صورت‌های مالی توسط حسابداران. اگر بپذیریم که نظام حسابداری، یک جریان مبادله اطلاعات میان پاسخ‌گو و پاسخ‌خواه است، می‌توان گفت حسابدار عاملی است که به عنوان طرف سوم این مبادله وارد عمل می‌شود تا دو طرف را از ایجاد جریان روان اطلاعات مطمئن سازد. و فایده مندی این نقش سوم به عنوان نقش بیمه‌ای در جریان اطلاعات فقط با رعایت انصاف تحقق می‌یابد.

کلید واژه‌ها: انصاف، عدالت، نظام پاسخ‌گویی مالی، نظام حسابداری

تعریف انصاف

در لغت، انصاف به معنای داد‌گری، عدل و داد کردن، راستی کردن، به نیمه رسیدن و میانه‌روی است [۱۴].

انصاف حداقل در دو معنی به کار می‌رود. گاهی انصاف نزدیک به مفهوم نیمه و میانه، دور محور برابری می‌گردد. خواه برابری در مقدار باشد یا نباشد. انصاف در این مفهوم در حقوق شکلی به کار می‌رود. انصاف در مفهوم دوم، تصمیم‌گیری برابر وجدان و حق است. مانند انصاف در تعیین نرخ عادلانه [۷]. اعمال انصاف در رفتار به معنای عادل و منصف بودن است. هدف اصلی تمام قواعد انصاف جلوگیری از رفتار غیرمنصفانه است [۲۰]. عدالت و انصاف با دو مشخصه بی‌طرفی و همسو نمودن رفتار با انتظارات جامعه از انصاف نمود می‌یابد. انصاف و مساوات به عنوان صفت مشخصه بی‌طرفی و صداقت در تصمیم‌گیری محسوب می‌گردد. دوری از هرگونه اعمال منافع شخصی و سوگیری در تصمیم‌گیری، پرهیز از پیش‌داوری، تعصب و جانبداری بی‌رویه از مفاهیم انصاف ناشی می‌شود [۲۱]. در واقع ارائه تعریفی از انصاف که مورد اتفاق همگان باشد، دشوار است. اما می‌توان اظهار داشت که انصاف بخشی از عدالت طبیعی است [۲۴].

جایگاه انصاف و عدالت در سازمان

امروزه سازمان‌ها به صورت فزاینده‌ای خود را درگیر مسئله‌ای می‌بینند که آن را انصاف می‌نامند. انصاف در نظام سازمانی جایگاه ویژه‌ای دارد. اگر بپذیریم که انصاف منجر به ایجاد عدالت در هر نهاد و جامعه‌ای می‌شود و اعتبار یک نظام و سیستم با نتایج آن سنجیده می‌شود، پس می‌توان گفت که انصاف موجب افزایش اعتبار نظام و سیستم می‌گردد.

اصولاً می‌توان مطلوبیت و رعایت انصاف را به عنوان یک مفهوم معنوی از عدالت مورد توجه قرار داد که مستلزم تفسیر درباره مفهوم توزیع عدالت می‌شود [۶].

عدالت و انصاف قوانینی انکارناپذیر دارند، اما به نظر می‌رسد عدالت نتیجه‌ای است که با رفتار منصفانه به دست می‌آید [۱۲].

ارسطو دو شکل از عدالت را در جوامع انسانی و روابط میان انسان‌ها قائل شده است. عدالت توزیعی و عدالت تفویضی. اولی گویای چگونگی توزیع منابع و مواهب اجتماعی و طبیعی میان اعضای جامعه است و دومی ناظر بر چگونگی معامله یا داد و ستد

میان دو طرف مبادله. از نظر ارسطو عدالت توزیعی زمانی برقرار خواهد شد که سهم هر کدام از اعضای جامعه بر حسب منزلت و شایستگی شان تعیین شود. از نظر استاد مطهری، عدالت این است که حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و کار و فعالیت خود به دست آورده به او داده شود [۲].

بر اساس تئوری انصاف، انسان‌ها وقتی با موقعیت‌های نامطلوب روبه‌رو می‌شوند، در مقابل همه این موقعیت‌ها، یکسان قضاوت نمی‌کنند. قضاوت افراد در مورد منصفانه بودن یک واقعه و شدت آن تحت تأثیر نقشه‌های شناختی یا ذهنی آن‌ها برای جایگزینی موقعیت واقعی با سناریوهای ضد واقعی هست، می‌توانست، و می‌بایست قرار می‌گیرد [۱].

اگر بپذیریم که انصاف نیز جزیی از اخلاقیات فرد محسوب شده و یا این که تحت تأثیر صفات اخلاقی و حرفه‌ای افراد قرار می‌گیرد، آنگاه جایگاه ضوابط اخلاقی در ایجاد تصویری قابل اعتماد و قابل اطمینان از افراد و حرفه‌ها بیش از پیش آشکار می‌شود.

ضوابط اخلاقی مجموعه‌ای از قوانین شامل اصول اساسی درستکاری برای اعضای یک حرفه می‌باشد که برای حفاظت از اعتبار و شهرت حرفه‌ای طراحی شده است [۱۹].

در مورد انصاف همیشه این سؤال مطرح است که نسبت به چه اشخاصی، برای چه منظوری و تحت چه شرایطی باید منصف بود [۱۰].

ادراک عدالت و اعمال انصاف و شدت آن در انسان‌های مختلف تحت تأثیر نقشه‌های شناختی آن‌ها قرار می‌گیرد. نقشه‌های شناختی الگوهایی هستند که سیستم باورهای فرد را نشان می‌دهد و ابزارهایی توانمند برای شناخت اداراکات محسوب می‌گردد [۱].

از دیدگاه اخلاقی نیاز به حضور انصاف در تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای ناشی از دو عامل است:

۱. انصاف مزیتی است مبنی بر سلامت و پرهیزگاری حرفه.

۲. اگر پیامدها و عوارض ناشی از انصاف را در دو کفه ترازو قرار دهیم، پیامدهای

مثبت حاصل از منصف بودن بر پیامدهای منفی آن سنگینی می‌کند.

عامل اول از مفهوم لغوی کلمه ناشی می‌شود. در حالی که عامل دوم گرایش به جنبه حرفه‌ای موضوع دارد. در واقع انصاف و صداقت خصوصیتی قابل ستایش است که هر

شخصی به عنوان عضوی از جامعه، جهت برخورداری از یک حیات سالم مستحق برخورداری از آن می‌باشد [۱۸].

حسابداران به عنوان یک عامل انسانی نقش کلیدی در زنجیره حسابداری ایفا می‌کنند. بسیاری از رفتارها، تصمیم‌ها و گزارش‌های مالی حسابداران حتی با وجود استفاده از سیستم‌های فناوری، نتیجه اعمال مدیریت و قضاوت حرفه‌ای حسابداران و مدیران است. از آن‌جا که نیروی انسانی چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی و در تعامل با دیگران، هم‌چنان مهم‌ترین عامل تصمیم‌گیری و گزارشگری در سیستم‌های مالی محسوب می‌شود، تأثیر رعایت انصاف و عدالت در قضاوت و تصمیم‌گیری در امور مالی بر کمیت و کیفیت عملکرد آنان و نیز عملکرد سازمان و در نتیجه اعتبار و موفقیت حرفه به شدت تأثیر دارد.

جایگاه انصاف در حسابداری

نخستین پیشنهاد در مورد رعایت مفهوم مطلوبیت در حسابداری در ۱۹۴۱ به وسیله اسکات ارائه شد و این مفهوم را به عنوان یک اصل حسابداری تبیین کرد:

«مقررات، رویه‌ها و مقررات حسابداری باید مطلوب، عاری از سوگیری و بی طرفانه باشند و نباید منافع گروه خاصی را تأمین نمایند. [۶]

حسابداری نقشی کلیدی در فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی یک جامعه ایفا می‌کند و استانداردهای اخلاقی به عنوان یک پرچم و صفت بارز جهت حرفه حسابداری محسوب می‌شود [۲۲].

تمامی اعضای حرفه حسابداری، ارزش‌های اخلاقی‌شان را به عنوان نیروهای پیوند دهنده‌ای می‌شناسند که آن‌ها را از موارد ناشایست و فاقد اصول اخلاقی حرفه‌ای حفظ می‌نماید. در واقع حرفه حسابداری همیشه زمینه اخلاقی دارد [۲۳]. جامعه معنی خاصی را به واژه حرفه‌ای داده است. انتظار جامعه از افراد حرفه‌ای این است که در سطحی بالاتر از اعضای جامعه عمل و قضاوت نمایند. دلیل اصلی برای این سطح بالاتر رفتار حرفه‌ای، نیاز به اعتماد عمومی به کیفیت و صداقت در خدمات ارائه شده از طرف افراد حرفه‌ای است

[۱۹] و این کیفیت و صداقت در خدمات حاصل نمی‌گردد مگر با رعایت انصاف. انتظارات جامعه از نتایج عمل افراد حرفه‌ای بر اساس عملکرد آنان شکل می‌گیرد. اگر در تبادلات میان حرفه و جامعه انصاف و عدالت از سوی افراد حرفه‌ای و نیز طرف دیگر مبادلات (استفاده‌کنندگان) رعایت شود، جامعه این استعداد را دارد که آن را به شرایط مشابه تعمیم دهد. این امر منجر به شکل‌گیری تصویری از شخصیت حرفه‌ای در بینش جامعه گردیده و جایگاه حرفه در جامعه را مشخص می‌نماید [۱۷].

انصاف به عنوان یک ارزش به شیوه‌های گوناگون در علوم اجتماعی و از جمله حسابداری به کار گرفته می‌شود. انصاف معیاری برای ورود موضوعات در ساختار حسابداری محسوب می‌شود.

تعریف این که چه چیزی منصفانه است و چه چیز نیست برای کمک به حسابدار در شرح و بسط یک نظام حسابداری منصفانه، کاری به غایت دشوار است. برخی فیلسوفان مدعی هستند مقدر شده انسان‌ها آزاد باشند یا حتی محکومند آزاد باشند زیرا مجبورند درست را از نادرست تشخیص دهند. حسابداران نمی‌توانند پشت انصاف مبتنی بر اصول پذیرفته شده همگانی یا آن چه به عنوان انصاف مبتنی بر GAAP خوانده می‌شود، پنهان شوند. آن‌ها باید مستقیماً با انصاف سروکار داشته باشند [۳].

مطلوبیت و رعایت انصاف در تهیه و ارائه گزارش‌های مالی به این معنی است که تهیه‌کنندگان اطلاعات با حسن نیت کار کرده‌اند، رویه‌های حسابداری را با توجه به اصول اخلاقی و معنویت به کار برده‌اند و در ارائه گزارش‌های مالی، حسابرسی و ارائه نتیجه‌های اقتصادی بر اساس قضاوت حسابداری عمل کرده‌اند [۶].

هندریکسون بیان می‌دارد که در دیدگاه مبتنی بر اصول اخلاقی در ارائه تئوری بیشتر بر مفاهیم عدل، حقیقت و انصاف تاکید می‌شود. هر یک از این مفاهیم یا اصول، به صورتی فزاینده توانسته است بر چارچوب نظری ارائه شده به وسیله هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی اثر بگذارد. رعایت نکاتی مانند نداشتن تعصب (یک سو نگری) و صداقت در معیار سنجش از ویژگی‌های یک سیستم قابل اتکا به حساب می‌آیند [۱۶].

قابلیت اتکا یکی از ویژگی‌های اطلاعات مفید حسابداری می‌باشد. نتایج اندازه‌گیری‌های حسابداری هنگامی قابل اتکا است که به طور واقعی و صادقانه معرف ارزش‌هایی که انتظار می‌رود یا در نظر است، ارائه کند. ویژگی کیفی قابلیت اتکا مبتنی بر مفاهیم قابلیت اثبات، واقعیت‌گرایی، بی‌طرفی و انصاف در برآوردها و اندازه‌گیری‌های حسابداری می‌باشد. اندازه‌گیری‌ها زمانی منصفانه خواهد بود که فرآیند تهیه آن‌ها درستکارانه بوده و هنگامی بی‌طرفانه است که نتایج آن از پیش داوری و تعصب به دور باشد [۹].

در حسابداری "رعایت انصاف" نقش مهمی بر عهده دارد، زیرا این پدیده به استفاده‌کنندگان و بازار اطمینان می‌دهد که حسابدار (به عنوان تهیه‌کننده صورت‌های مالی) و حسابرس (به عنوان تاییدکننده صورت‌های مالی) نهایت سعی خود را کرده‌اند تا گزارش‌ها به صورتی مطلوب منعکس گردند. ماهیت متعارف مفهوم "رعایت انصاف" این است که گزارش‌ها به شیوه‌ای مطلوب ارائه شوند و تضمینی است مبنی بر صحت و رعایت دقت در تهیه و تایید صورت‌های مالی [۶].

انصاف در تصمیم‌گیری‌های مالی عامل مهمی است که پیامدهای ناشی از آن اعتبار حرفه را ارتقا می‌بخشد و منجر به افزایش رضایتمندی استفاده‌کنندگان می‌شود [۲۱].

جایگاه انصاف در نظام پاسخ‌گویی مالی

اطلاعات ایجاد شده در حسابداری یک قلم کالای عمومی محسوب می‌شود که دارای دو طرف عرضه‌کننده و تقاضاکننده می‌باشد. بنابراین انتخاب اطلاعات حسابداری می‌تواند بر رفاه گروه‌های مختلف در جامعه اثر بگذارد [۱۵]. با توجه به ابعاد اجتماعی این حرفه، موضوع پاسخ‌گویی مطرح می‌شود.

پاسخ‌گویی عبارت است از الزام شخص به توضیح و تشریح همراه با دلایل منطقی در مورد اعمالی که انجام داده است و وظیفه‌ای است که در اجرای آن اشخاص، دلایل قانع‌کننده‌ای برای ادای مسئولیت‌هایی که به عهده آن‌ها محول گردیده، فراهم می‌نمایند [۸]. پاسخ‌گویی شامل مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است که بر اساس آن شخص

برای توضیح و توجیه رفتار و روابط خود با دیگران احساس تعهد می‌کند. پاسخ‌گو بودن مسئولیت‌های اجتماعی را افزایش داده و موجب عدالت اجتماعی می‌شود [۱۳].

مفهوم مسئولیت پاسخ‌گویی ریشه در فلسفه سیاسی دارد و بر ارکانی نظیر حق دانستن حقایق و حق پاسخ‌خواهی استوار است. هر دو طرف پاسخ‌گو و پاسخ‌خواه کوشش می‌کنند با استفاده از ابزارهای مناسب، در ایفای این مسئولیت و ارزیابی آن مشارکت کنند. این چارچوب دلالت بر نظامی دو سویه دارد که تامین حقوق پاسخ‌خواه و حفظ حریم پاسخ‌گو در آن حائز اهمیت است و افشای اطلاعات بر اساس توافق طرفین با حفظ جایگاه سودمندی و انصاف در سیستم حسابداری صورت می‌گیرد [۴].

یک الگوی پاسخ‌گویی سه عامل پاسخ‌گو، پاسخ‌خواه و حسابداری نقش دارند. در این الگو، هدف حسابداری ایجاد یک سیستم معقول، منصفانه و عادلانه از جریان اطلاعات میان پاسخ‌گو و پاسخ‌خواه است و حسابداری به عنوان طرف سوم این رابطه (تهیه اطلاعات با عینیت و اثبات) وارد این جریان می‌شود [۳].

بر اساس ارتباط پاسخ‌گوئی، پاسخ‌گو باید اطلاعات خاص را جهت پاسخ‌خواه فراهم کند و حسابداری بعنوان سیستم اطلاعاتی، ابزار به جریان افتادن اطلاعات بین این دو است و حسابداری تنها مختص پاسخ‌خواه بعنوان دریافت‌کننده اطلاعات و یا پاسخ‌گو بعنوان عرضه‌کننده اطلاعات نیست بلکه از حقوق هر دو دفاع می‌کند [۱۱].

در یک نظام پاسخ‌گویی مالی، ارائه بهترین و مناسب‌ترین تصویر ممکن از عملکرد مالی با در نظر گرفتن حریم مجاز هر دو طرف جریان اطلاعات و با انجام قضاوتی منصفانه از سوی حسابداری امکان‌پذیر می‌گردد. در واقع حسابداری، با حفظ حریم دو طرف و ایجاد جریانی عادلانه نه تنها منافع دو گروه پاسخ‌دهنده و پاسخ‌خواه را تامین می‌کند، بلکه به حفظ منافع نظام حسابداری مبادرت می‌نماید.

حسابدار با مطمئن ساختن پاسخ‌خواه از جریان به موقع و صحیح اطلاعات وی را حمایت می‌کند و با وضع محدودیت برای افشای کامل اطلاعات، پاسخ‌گو را نیز مورد حمایت قرار می‌دهد [۵].

این چارچوب نظری که منصفانه بودن سیستم اطلاعات را بر سودمندی اطلاعات ترجیح می‌دهد، بر پایه ارتباطی دو طرفه بنا شده است. در این چارچوب، حسابداری و گزارشگری مالی با مطمئن ساختن پاسخ‌خواه از جریان به موقع و صحیح اطلاعات، وی را حمایت کرده و با وضع محدودیت برای افشا کامل اطلاعات، پاسخ‌گو را نیز مورد حمایت قرار می‌دهد [۵].

در چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی هدف حسابداری ایجاد نظامی منصفانه از جریان اطلاعات میان پاسخ‌گو و پاسخ‌خواه است. این چارچوب بر پایه رابطه مسئولیت و پاسخ‌گویی میان دو طرف بنا می‌شود. در چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی، عینیت و اثبات‌پذیری اطلاعات نه تنها مطلوب بلکه ناگزیر است. عینیت و اثبات‌پذیری بدین نحو از پاسخ‌خواه حمایت می‌کنند که اطمینان می‌دهند اطلاعات ارائه شده منطقی از هر گونه سوگیری ذهنی پاسخ‌گو مبراست. در عین حال، آن‌ها بدین نحو از حق پاسخ‌گو حمایت می‌کنند که اطمینان می‌دهند اطلاعاتی را که وی تهیه کرده در مظان سوگیری و گمراه‌کنندگی قرار نخواهند گرفت. در نبود عینیت و اثبات‌پذیری نه پاسخ‌گو و نه پاسخ‌خواه هیچ یک نمی‌توانند از حصول انصاف مطمئن باشند. [۳].

از این رو رعایت انصاف، عدالت و بی‌طرفی برای حسابداران ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این امر می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های ناشی از کنترل‌گردیده و نیز موجب ارتقاء جایگاه حسابداران در سیستم گردد. در واقع رعایت عدالت در سیستم حسابداری، انصاف در گزارشگری، افشا و تکریم اصول و ضوابط اخلاقی حرفه‌ای پیوندی میان امور محوله مالی با اصول اخلاقی و معیارهای انسانی در حاکمیت و قضاوت بوده و منجر به ایجاد نظامی منصفانه میان حسابداران و جامعه می‌گردد. قضاوت منصفانه منجر به تغییر دیدگاه جامعه در مورد حسابداران را موجب می‌شود. آنان دیگر در جریان عرضه اطلاعات حسابداری اشیایی بی‌جان محسوب نمی‌گردند، بلکه به عنوان رابطی میان گزارش‌دهنده و استفاده‌کننده اطلاعات قرار می‌گیرند که با در نظر گرفتن حقوقی دوسویه، در جریان عرضه اطلاعات، شکل و محتوای اطلاعات را تعیین می‌کنند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

حسابداری سیستمی اطلاعاتی و انسانی است که وظیفه ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی به استفاده‌کنندگان را بر عهده دارد. فایده مندی نظام اطلاعاتی حسابداری به عنوان یک کل و با در نظر گرفتن حریم و منافع هر دو سوی جریان اطلاعات تحقق می‌یابد. در واقع حسابدار آفریننده جریان اطلاعات در این رابطه دو سویه است. بدیهی است با توجه به انسانی بودن نظام حسابداری که با حضور حسابدار شکل می‌گیرد، نقش قضاوت و تصمیم‌گیری در تعیین محتوا و شکل گزارش‌های حسابداری پررنگ به نظر می‌رسد.

با توجه به این امر، انصاف به عنوان معیار ایجاد عدالت و نظام منصفانه جریان اطلاعات در جهت احقاق حق هر دو طرف نه تنها مهم محسوب گردیده که می‌توان گفت همان مقصود و هدف اصلی در حسابداری است.

اگر بپذیریم که هدف نظام حسابداری ایجاد نظامی منصفانه بین پاسخ‌گو و پاسخ‌خواه است، بنابراین تلاش برای دستیابی به انصاف به عنوان هدف اصلی یک نظام اطلاعاتی و انسانی، در جهت فایده مندی و اطمینان بخشی این نظام به دو طرف مبادله (پاسخ‌گو و پاسخ‌خواه)، ضرورتی اساسی محسوب می‌شود. از سوی دیگر با توجه شکل‌گیری جایگاه و تصویر حرفه در جامعه بر اساس عملکرد و رفتار افراد حرفه‌ای، ضرورت توجه به اصول و موازین حرفه‌ای توسط حسابداران بیشتر احساس می‌شود. چرا که اگر این تصویر و جایگاه با عدم رعایت موازین حرفه‌ای و اصول اخلاقی تخریب گردد، هزینه ترمیم آن در اذهان عمومی بسیار بالا بوده و حرفه حسابداری جهت دستیابی به جایگاه خود تاوان سنگینی خواهد پرداخت.

بنابراین لزوم تأکید بر انصاف در تثبیت جایگاه حسابداران ضروری بوده و پیشنهاد می‌گردد جهت حصول این امر، سازمان‌ها به تدوین و تکریم هر چه قوی‌تر انصاف در منشور اخلاقی سازمان و اجرای برنامه‌های آموزش اخلاقیات برای مدیران مالی و حسابداران مبادرت نمایند. علاوه بر این با توجه به اهمیت و جایگاه دانشگاه به عنوان منبع

مهم پایه‌ریزی دانش و شالوده آموزه‌ها، پیشنهاد می‌گردد در برنامه‌ریزی‌های متون آموزشی دانشگاهی جهت رشته حسابداری به ابعاد اخلاق حرفه‌ای توجه بیشتری اعمال گردد.

منابع

۱. آذر، عادل، زهرا علی پور درویشی و حسن دانایی فرد (۱۳۸۹)، رویکردی فازی به ادراک عدالت در چارچوب تئوری انصاف بانک ملت، مدرس علوم انسانی- پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۸۹-۶۱.
۲. اوتارخانی، علی (۱۳۸۸)، عدالت و انصاف در همکاری مبتنی بر اعتماد، چشم‌انداز مدیریت، شماره ۳۳، صص ۲۹-۴۷.
۳. ایجیری، یوجی. (۱۳۸۲)، در باب چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی. مترجم: جعفر باباجانی و امیرپوریا نسب، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۳، صص ۱۷۲-۱۵۵.
۴. باباجانی، جعفر. (۱۳۸۴)، گزارشگری مالی نوین در بخش عمومی، دانش حسابرسی، شماره ۱۷ و ۱۸، صص ۱۴-۳۹.
۵. باباجانی، جعفر. (۱۳۷۹)، نقش مسئولیت پاسخ‌گویی در چارچوب نظری حسابداری دولتی، حسابرس، شماره ۷، صص ۲۶-۳۴.
۶. بلکویی ریاحی، احمد. (۱۳۸۱)، تئوری‌های حسابداری، چاپ اول، ترجمه علی پارسایان، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش.
۸. خدای پور، احمد و غلامرضا حاجی زاده، (۱۳۸۸)، تاثیر پاسخگویی بر روی سطح اطمینان و مقاومت در مقابل تغییر نسبت به سیستم حسابداری، مجله تحقیقات حسابداری، شماره ۲.

۹. خوش طینت، محسن و اکبر محمودی ابواسحق، (۱۳۸۰)، واقعیت‌گرایی، انصاف و بی‌طرفی در حسابداری، **مجله مطالعات مدیریت**، شماره ۳۱ و ۳۲.
۱۰. شباهنگ، رضا. (۱۳۸۷)، تئوری حسابداری، چاپ هشتم، **سازمان حسابرسی** (مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی).
۱۱. صلواتی، محمد، نادعلی، علی اکبر و محمد رضا عبدلی. (۱۳۸۴)، پاسخ‌گویی: هدف حسابداری و حسابرسی در بخش عمومی، **دانش حسابرسی**، شماره ۱۶، صص ۱۷-۱۳.
۱۲. علیدوستی شهرکی، ناصر (۱۳۸۹)، انصاف در حل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی، **فصلنامه حقوق**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳، صص ۲۷۶-۲۶۱.
۱۳. علوی، سید مصطفی. (۱۳۹۰)، تاثیر سطوح شفافیت اطلاعات بر میزان پاسخ‌گویی مدیریت، **حسابدار رسمی**، شماره ۱۴، صص ۷۹-۷۵.
۱۴. عمید، حسن، (۱۳۶۰)، **فرهنگ عمید**، جلد اول، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۵. محمدیان، محمد. (۱۳۹۰)، توسعه دانش حسابداری: حسابداری به عنوان یک رشته علمی در دانشگاه، **دانش حسابرسی**، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۹۹-۷۴.
۱۶. هندریکسن، الدون اس و مایکل اف. ون بردا، (۱۳۸۸)، **تئوری حسابداری**، جلد اول، چاپ سوم، ترجمه علی پارسایان، انتشارات ترمه.

17. Bazerman, M. H., & Moore, D. (2009). **Judgment in managerial decision making** (7th ed.). Hoboken, NJ: John Wiley & Sons
18. Boatright, J. R. (2009). **Ethics and the conduct of business** (6th ed.). Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall
19. Dedoulis Emmanouil, (2006), "The code of ethics and the development of the auditing profession in Greece, the period 1992-2002, **Accounting Forum** 30 pp155-178.

20. Finn (P D) (editor), (1985), **Essays in Equity**, The Law Book Company Limited, Sydney.
21. Joel D. Rubin Kelley (2011), BUSINESS LAW & ETHICS CORNER Fairness in business: Does it matter, and what does it mean? School of Business, Indiana University, 1309 E. Tenth Street, Bloomington, IN 47405-1701, U.S.A. Business Horizons
22. Keler Craig, A. Smith Katherine, K. & L. Murphy Smith, (2007), "Do gender, educational level, religiosity, and work experience affect the ethical decision- making of U.S. accountants? Critical Perspectives on Accounting 18, pp299-314.
23. Maurice, J. (1996). Accounting. Ethics: Pitman Publishing.
24. McGhee (John), (2005), Snell's Equity, Sweet & Maxwell, London.

Justice and its position in financial Accountability system

Justice as an effective factor of developing in organizational justice plays an important role in accounting and accountability system. Justice is emphasized as a significant judicative criterion of reporting in ethical principle of accounting. Because such this phenomenon is considered as warranty of accuracy and conformity of financial statements are prepared and verified by accountants. If we accept that accounting system is an information transmission flow between responder and who takes respond, accountant is supposed to be considered as third side of this transmission to secure both sides about developing fluent flow of information. Thus, the role of accountant usefulness as an insurance role in information flow is realized just by conformity to justice.

Key words: Justice, Financial accountability system, Accounting system